

## نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

حیدر اسدی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

هادی رجبی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

### چکیده

فرهنگ با ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها پیوند خورده و در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره تعریف‌هایی از فرهنگ شده است. امام خمینی (ره) فرهنگ را کارخانه آدم‌سازی می‌داند. در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، فرهنگ از چنان اهمیتی برخوردار است که با سرنوشت اجتماعی ملت‌ها گره خورده است. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضریب امنیت «مشارکت» در صحنه‌های گوناگون ملی است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در صدد تبیین نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس فرهنگ مقاومت یکی از موضوعات بنیادین ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود. اسلامیت، جمهوریت، حاکمیت، استقلال، امنیت، تمامیت ارضی، افتخارات ملی، عدالت و رفاه و از همه مهم‌تر کیان اسلام و تشیع در جهان، محورهای اصلی منافع ملی انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند که همواره در جبهه تقابل انقلاب با دنیای استکبار قرار داشته است. فرهنگ مقاومت و پایداری با بهره‌گیری از مولفه‌هایی هم‌چون؛ استکبار ستیزی، روحیه جهادی و احیا و تقویت هویت دینی می‌تواند ما را در مقابله‌ها با ناتوی فرهنگی یاری نموده و افق روشنی جهت رسیدن به امنیت پایدار برای ملت مسلمان ایران باشد.

### کلید واژه‌ها

فرهنگ، مقاومت، جهاد، مردم، استکبارستیزی، امنیت، هویت، دین اسلام.

## مقدمه

تفکر مقاومت خون بر شمشیر بر اساس تئوری و نظریه امام خمینی (ره) است و این آموزه را پیشکسوتان جهاد و شهادت در هشت سال دفاع مقدس در میدان جنگ اجرا کردند. وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی، از ضروریات فقه اسلام است. بر اساس آیات، روایات و ادله عقلی متعدد، جامعه اسلامی پیکره واحدی است و مسلمین نمی‌توانند در قبال تهاجم بیگانگان به سایر مسلمانان، بی‌تفاوت باشند؛ چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت به حمایت و دفاع از ستم‌دیدگانی که مورد ظلم قرار گرفته و از وطن و سرزمین خویش اخراج و آواره شده‌اند، فرمان می‌دهد. امام خمینی در نهم اسفند سال 1366 در جمع اعضای شورای مرکزی حزب الله لبنان چنین گفت: «همه شیاطین مجتهد که نگذارند اسلام رشد کند و ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که با تمام قوا و تا آخرین نفرمان مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم». امام (ره) ضمن درک واقعی واقعیت‌هایی که انقلاب اسلامی در ابتدای راه با آن مواجه بود، مسیر ادامه راه انقلاب را برای ما نشان می‌دهد و بر این اساس، در یک جمع‌بندی، می‌توان محورهای منافع ملی و مولفه‌های امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران را این‌چنین برشمرد: 1. اسلامیت نظام. 2. جمهوریت نظام. 3. تمامیت ارضی. 4. حاکمیت ملی. 5. وحدت ملی. 6. معیشت ضروری مردم. 7. نظم و امنیت عمومی جامعه. 8. کیان اسلام و تشیع در جهان. 9. استقلال سیاسی. 10. افتخارات ملی. 11. تعمیم عدالت و رفاه. 12. صلح و امنیت بین‌المللی. 13. حفظ محیط زیست. پس از انقلاب اسلامی ایران، عناصری هم‌چون فرهنگ، ایدئولوژی، رهبری و دین، برجستگی و اهمیت بیشتری پیدا کرد. در کتابی به نام «یک قرن انقلاب» که اخیراً توسط فورن ویرایش شده، مقالات گوناگون از نویسندگان مختلف به‌چشم می‌خورد که بیشتر درباره بازگشت مجدد فرهنگ به عرصه تئوری‌های انقلاب است. نکته‌ای که از نظر آنان در نظریه پردازی انقلاب‌ها از آن غفلت شده است. براساس نظریه دورکیم، در رابطه با انقلاب ایران، می‌توان به بحث همبستگی و انسجام اشاره کرد. زیرا دین همانند یک سیمان اجتماعی، توانست همه مردم را به هم وصل و همبستگی و انسجام قوی در جامعه حاکم کند. فرهنگ مقاومت و پایداری با بهره‌گیری از مولفه‌هایی هم‌چون: استکبارستیزی، جهاد و احیا و تقویت هویت دینی می‌تواند ما را در مقابله‌ها با ناتوی فرهنگی یاری نموده و افق روشنی جهت رسیدن به امنیت پایدار در داخل کشور برای ملت مسلمان ایران باشد.

## بیان مسئله

تجربه‌های دهه‌های اخیر در جهان نشان از آشکار ساختن بهره‌گیری از فرهنگ در مقولاتی چون توسعه و پیشرفت، امنیت، منافع ملی، نظام‌های سلامت، محیط زیست و... دارد. اینکه فرهنگ هر کشوری چه میزان قابلیت و یا ظرفیت‌هایی برای ایجاد بستر مناسب به‌منظور پاسخگویی به نیازهای مربوطه را دارد، بستگی به منابع تامین‌کننده و یا آبشخور آن فرهنگ دارد (بهشتی نژاد، 1393: 8). از نگاه امام (ره) مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده هویت ملت ایران، فرهنگ آن است و از آن‌جا که فرهنگ ایرانیان از حدود 1400 سال پیش تاکنون متأثر از اسلام بوده است، در نتیجه فرهنگ اسلامی مهم‌ترین عامل هویت‌ساز ایرانیان بوده است» (خسروی، 1390: 16).

مقاومت، اصطلاحی است از ریشه‌ی قوام یا قیام، ریشه‌ای که در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به‌همین منظور مقاومت یک اصطلاح بومی محسوب می‌شود. مقاومت را به فارسی استواری یا ایستادگی یا پایداری می‌گویند. معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را برهم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری (میرقادری؛ کیانی، 1391: 70).

قوام و استحکام هر موجودی، راز بقا و سبب ماندگاری آن است. عاملی که ملت‌های ضعیف را در برابر دولت‌های گرج سیرت، بر سر پا نگه می‌دارد، صبر و مقاومت است. هر ملتی، برای اثرگذاری بیش‌تر و ثبات دایمی، نیازمند آن است تا مقاومت خود را به فرهنگ عمومی تبدیل کند. هر موضوعی تا وقتی زمینه‌ی فرهنگی پیدا نکند، نمی‌تواند بقا و ماندگاری خویش را تضمین نماید (فرهنگ، 1391).

واژه‌شناسان، امنیت را به آرامش نفس و نبودن بیم و هراس معنا کرده‌اند و امنیت را حالتی برشمرده‌اند که انسان در آرامش و آسودگی آن‌را احساس می‌کند و این آرامش می‌تواند از آن نظر باشد که توانایی‌ها، امکانات و دارایی‌های انسان با هیچ خطر و تهدیدی مواجه نیست و از این جهات در امان است. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود، به‌طوری‌که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن‌را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است. امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و کشورها اولویت اول خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند (مقتدایی، 1394).

مسائل امنیتی یک کشور به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود که این دو را نمی‌توان جدای از یکدیگر دانست. با این‌همه، می‌توان گفت که منظر امنیت داخلی غالباً متوجه مرزهای داخلی کشور است و بیشتر تهدیداتی را بررسی می‌کند که می‌تواند امنیت را در داخل مرزهای کشور به خطر اندازد (احمدی پور، 1379: 279-282). امنیت داخلی امروزه کالایی پرارزش به‌شمار می‌رود که به‌رغم تعابیر متفاوت از آن، دلالت بر وضعیتی مطلوب برای حیات شهروندان دارد. بدهی است که به‌خاطر تفاوت نوع بازیگران در دو عرصه داخلی و خارجی، مطلوبیت فوق نیز تفاسیر مختلفی می‌یابد.

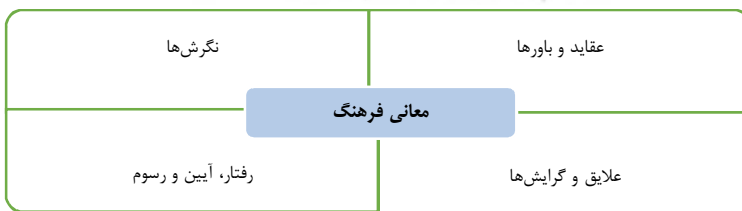
فرهنگ مقاومت جمهوری اسلامی ایران را در مولفه‌هایی مانند: استکبارستیزی، روحیه جهادی، تاکید بر هویت دینی و مردم‌سالاری دینی و... می‌توان تبیین نمود. اگر به تقابل استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته نظر بیفکنیم در می‌یابیم که در دهه اول تقابل در حوزه نظامی است و سراسر این دهه جنگ، کودتا و ترور می‌باشد. اما از ابتدای دهه دوم، بحث فراگیر عمومی در جامعه ایرانی مسئله «تپاجم فرهنگی» بود. استکبار در دهه سوم در راستای هجمه فرهنگی به فکر مهار انقلاب اسلامی در سطح جهان افتاد (والی زاده، 1388: 8). لذا امروز به اعتراف صریح نظریه‌پردازان غربی درگیری اصلی بین فرهنگ دینی انقلاب و نظام اسلامی با فرهنگ غربی است. هاتینگتون نظریه‌پرداز آمریکایی می‌گوید: «تقابل اصلی آینده جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است» (معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قراقرگاه ثارالله، 1378: 27). دیوید کیو، مامور سازمان سیا چنین می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم» (نگارش، 1380: 184). ناتوی فرهنگی به‌دلیل ویژگی‌های خود از پیچیدگی خاصی برخوردار است و خطرش افزون‌تر از ناتوی نظامی است و قهراً مقابله با آن نیز با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: 1. نامحسوس و نامرئی بودن اقدامات، فعالیت‌ها و تجهیزات مخصوص به‌خود. 2. به‌ظاهر رسمی و قانونی بودن؛ 3. درازمدت و دیرپا بودن و ماندگار در روح و فکر و تخریب اندیشه‌ها. 4. هدف گرفتن فرهنگ به‌عنوان سنگ زیرین و پایه اصلی جامعه و نسخ هویت اسلامی و ملی و بیگانه کردن انسان‌ها از خود. 5. استفاده از تمامی حرب‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، روانی، تبلیغاتی و... 6. با برنامه عمل کردن و داشتن طرح و برنامه در فواصل کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت. 7. استفاده از ابزارها و امکانات تکنولوژی گسترده و متنوع با تخصیص بودجه‌های کلان. 8. استفاده از ادبیات و الفاظ مردم‌پسند. 9. بهره‌گیری گسترده از مواد مخدر، سایت‌های مستهجن و فساد و فحشاء. 10. سود جستن از شیوه‌های نوین و متنوع. 11. حرمت‌شکنی و توهین به مقدسات (راهبردهای جهاد فرهنگی در تقابل با ناتوی فرهنگی، 1386). در بررسی مصادیق

و ویژگی‌های ناتوی فرهنگی، تهدیداتی که در این راستا وجود دارد و خساراتی که ممکن است در این راستا متحمل شویم می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: 1- در معرض خطر قرار گرفتن هویت‌های ملی، دینی و نژادی. 2- تضعیف و ایجاد شبهه در باورهای دینی و انقلابی مردم. 3- جایگزین رسانه‌های جهانی به‌جای رسانه‌های ملی. 4- تحول در تلقی و الگوهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (امیری، 1390: 102). الگویی که برای مقابله با این همه‌ها و این ناتوی دشمن می‌توان به کار برد چیست؟ مقام معظم رهبری می‌فرماید: «الگوی مقاومت و مبارزه پیش‌روی ماست؛ یعنی می‌توان با مقاومت و مبارزه و البته تحمل خسارت، به پیروزی رسید» (مقام معظم رهبری، 80/2/4). به‌تعبیر قرآن: بنیان مرصوص؛ تصویری محکم شکل می‌گیرد. ممکن است کم باشیم ولی قدرت بالایی داریم: كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره، 249). یک نوع تصویر را باید خودمان تولید کنیم و یک نوع تصویر را خودمان از خود داریم. این جمله از امام خمینی که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، بر همین مبناست (افتخاری، 1394).

در این پژوهش محقق قصد دارد با روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که در جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ مقاومت، چه نقشی در امنیت داخلی داشته و این فرهنگ چگونه یک جامعه امن و منظم را به ارمغان خواهد آورد؟ بر این اساس محقق با تعریف مفهوم دقیق از فرهنگ مقاومت و کالبدشکافی مولفه‌های آن در پی بررسی نقش فرهنگ مقاومت بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران است. همان‌طور که گفته شد، با توجه به گستردگی موضوع در این تحقیق سعی شده نقش مولفه‌های فرهنگ مقاومت: 1- استکبارستیزی 2- روحیه جهادی 3- هویت دینی بر امنیت داخلی مورد مطالعه قرار گیرند.

### چارچوب نظری

«فرهنگ از کلمه لاتین cultura گرفته شده که با کلمه cultus، به معنی نیایش یا پرستش ارتباط دارد. در گسترده‌ترین معنا می‌توان فرهنگ را نتیجه فعالیت انسانی تعریف کرد» (بهشتی راد، 1393: 11). فرهنگ در لغت به ادب، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف یک قوم گفته می‌شود (وسیعی، 1357: 111). درباره تعریف فرهنگ بیش از 161 تعریف جمع‌آوری شده است که این موضوع دلالت بر گستردگی معنا و مفهوم فرهنگ و گستردگی آن در زندگی انسان دارد. فرهنگ پدیده‌ای تاریخی و کاملاً اجتماعی است که اجزا و عناصر پیچیده‌ای دارد و بر اساس این عناصر و اجزا تعریف می‌شود و امروزه در تعریف فرهنگ به معنی لغوی آن توجه نشده و عمدتاً ابعاد جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و مردم‌شناسانه آن در نظر گرفته می‌شود. کارکرد ویژه فرهنگ؛ آفرینش، نگاهداری، تداوم و همبستگی میان افراد جامعه است (ناظمی‌اردکانی، 1388: 246).



فرهنگ معین، مقاومت را از نظر لغوی، ایستادگی و برابری کردن معرفی می‌کند و آن‌را از نظر اصطلاحی در مبادرت به نبرد تدافعی وضعیتی می‌داند که فرماندهی آن‌را موضع مقاومتی معرفی کرده و بر اساس همین موضع مقاومتی با تمام قوای خود مبادرت به نبرد می‌کند. بنابراین معنای غالب مقاومت، ایستادگی و پایداری در برابر چیز است که توازن را چه از بعد داخلی و چه خارجی برهم زده باشد (معین، 1389: 4286). واژه مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد قام، به معنای به

با خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن و یا باهم از جا بلند شدن و با کسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را برهم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغالگری. بنابراین مقاومت، یک وجه قتالی نیست، بلکه یک رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی و اخلاقی و سلوکی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است (میرقادر؛ کیانی، 1391: 70).

## امنیت داخلی

واژه‌ی امنیت از کلمه‌ی (امن) می‌آید که معنای آرامش یافتن، بیمناک نبودن و نترسیدن را به ذهن متبادر می‌نماید. امنیت در لغت به معنای درامان بودن، بی‌بیمی و بی‌هراسی (معین، 1387: 135) اطمینان و سکون قلب (معلوف، 1382: 18) نبودن ترس و دلهره (راغب، 1375: 21) ایمنی و آرامش قلب، خاطر جمع بودن (قرشی، 1371: 124) است. «امنیت در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود» (آشوری، 1383: 38). واژه‌شناسان، امنیت را به آرامش نفس و نبودن بیم و هراس معنا کرده‌اند و امنیت را حالتی برشمرده‌اند که انسان در آرامش و آسودگی آن‌را احساس می‌کند و این آرامش می‌تواند از آن نظر باشد که توانایی‌ها، امکانات و دارایی‌های انسان با هیچ خطر و تهدیدی مواجه نیست و از این جهات در امان است. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود، به‌طوری‌که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن‌را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است. امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و کشورها اولویت اول خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند (مقتدایی، 1394). حالتی از تفوق نظم و قانون در یک جامعه را امنیت داخلی گویند (کالینز، 1370: 475). جنبه‌ی داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدات پیدا و پنهان و در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌توانند سیاسی (مانند شورش، جدایی‌طلبی و...)، اقتصادی (نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی و...)، نظامی (کودتا و جنگ داخلی) و اجتماعی (آشوب و شورش اجتماعی) باشند، که هر کدام به‌نوعی دولت ملی را تحت فشار قرار داده و موجودیت آن‌را مورد تهدید قرار دهند (مرادیان، 1385: 201-168).

در تعاریف اصطلاحی امنیت تنوع زیادی وجود دارد، اما با این حال دارای نقاط مشترکی است که در تعریف زیر قابل جمع است؛ امنیت عبارت است از حالت فراغ از ترس، تهدید و اضطراب و وضعیتی که در آن ارزش‌های حیاتی مصون از هرگونه تعرض باشد (واثقی، 16: 1380). مقوله‌ی امنیت قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد. در تاریخ، جامعه‌ای را سراغ - نداریم که دیرزمانی فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشد. جستجوی امنیت از مهم‌ترین نیازها و انگیزه‌های انسانی است. مهم‌ترین نیاز هر جامعه خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک قوم یا کشور، برقراری امنیت آن جامعه و افراد آن است که مسئولیت تعقیب و تأمین آن به‌عهده‌ی حکومت‌ها و دولت‌هاست (تاجیک، 1376: 46). واژه‌ی امنیت به‌عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین‌کننده‌ی حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد و همه‌ی موجودات در بقا و حفظ وجود و حیات سالم خود تلاش می‌نمایند و امنیت عامل این نیاز اساسی و حیاتی است. لذا امنیت مهم‌ترین آرمان انسان و موجود زنده تلقی می‌شود (حافظنیا، 1385: 325). در مقابل این واژه‌ی با ارزش واژه‌ی دیگری به‌نام (ناامنی) قرار دارد؛ اگر امنیت یک جامعه را در معنی جامع آن، حفظ کشور از نفوذ بیگانگان و جلوگیری از هرگونه

عملیات غیر قانونی که منظور آن تضعیف یا انهدام حکومت و ملت باشد، بگیریم در عوض هرگونه اخلال در روند امنیت ملی و داخلی را نا امنی خواهیم نامید (رستمی، 1378: 117). نویسندگان علوم امنیتی تعاریف متنوعی از مفهوم امنیت داخلی ارائه نموده‌اند: «امنیت داخلی شامل حفظ ساختار حکومت به‌ویژه نهادهای برقرار کننده نظم و امنیت داخلی، رهبران نظام و مجموعه مشترک ارزش‌ها، اصول، هنجارهای مشروعیت‌ساز قدرت، اصول و رویه‌های ثبات در حاکمیت، توانایی حفظ اقتدار و نظارت اجرای قواعد و مقررات انتظام‌بخش است» (بلندیان، 1386: 26).

### فرهنگ مقاومت

مقاومت از اصول اولیه زندگی بشری است که انسان بدون بهره‌مندی از آن هرگز قادر به زندگی نخواهد بود. قرآن آن را واجب شرعی و ضرورت بشری می‌داند که فقدان آن، موجب فساد در زمین خواهد شد. مقاومت، سیاست و سلوکی ممتد است و نه حادثه یا لحظه، بلکه کاری تمدنی و فراگیر و مستمر و متکامل و مستقل در رویارویی با مبارزه‌طلبی‌ها، دشمنی‌ها و تجاوزگری‌ها یا هر چیز دیگری است که برهم زننده تعادل و توازن باشد (میرقادری؛ کیانی، 1390: 70). بر این اساس مقاومت، بر کلیه عکس‌العمل‌هایی اطلاق می‌گردد که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشد و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها و خطرها و تجاوزهای خارجی یا داخلی با آن روبه‌رو می‌شود (مطلق شقور، 2009: 20-21).

امام خمینی (ره) فرهنگ را کارخانه آدم‌سازی می‌داند: «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است... فرهنگ سایه‌ای است از نبوت» (صحیفه نور، ج 6: 236\_237) «در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرهنگ از چنان اهمیتی برخوردار است که با سرنوشت اجتماعی ملت‌ها گره خورده است. این مسئله نشان‌گر اهمیت فرهنگ در اندیشه رهبر معظم انقلاب است: فرهنگ به‌عنوان شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است.

مقاومت فرهنگی عبارتست از پاسداری آگاهانه و منطقی از فرهنگ خودی و برخورد هوشیارانه و هوشمندانه با فرهنگ بیگانه. رمز موفقیت در مقاومت فرهنگی، شناخت فرهنگ خودی و پدیده‌های اصولی و بنیادی آن است. در مقاومت فرهنگی اولویت اصلی با صیانت و پاسداری از عناصر ثابت و لایتغیر فرهنگ خودی می‌باشد که باید آگاهانه و با بصیرت کامل حفظ و حراست شوند. این پاسداری باید مبتنی بر آگاهی مردم و هوشیاری همگانی باشد و تمامی مردم در کلیه صحنه‌های فردی و اجتماعی زندگی خویش، حافظ و نگهدارنده فرهنگ خودی باشند (مهدی، 1375).

مقاومت‌گرایی اسلامی به این معنا است که گروه‌های مختلف اسلامی درصدد آن هستند تا از حاشیه به‌سوی مرکز تغییر مکان دهند. به‌عبارت دیگر، مقاومت‌گرایی اسلامی مبنای حرکت به‌سوی تغییر وضع موجود را فراهم می‌سازد. این امر به‌معنای تلاش برای بازسازی هویت از دست رفته می‌باشد. روندی که فقط از طریق مقاومت‌گرایی حاصل می‌شود (قرلسفلی؛ فرخی، 1392: 155). در اصطلاح قرآنی و فرهنگ آن، مقاومت به‌معنای ایستادگی به‌حالتی گفته می‌شود که شخص برای انجام کارها و تحقق اموری اقداماتی را انجام می‌دهد که شامل ایجاد مقتضا و از میان بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارهاست (فرزانه، 1394). مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست. این مفهوم کاملاً ارزش تلقی می‌شود زیرا یک واکنش غیر ارادی در برابر تهاجم است (کاکایی، 1380: 55).

### پیشینه تحقیق

بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد تحقیقات علمی قابل توجهی پیرامون نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در داخل سازمان انجام نشده است و موسسات تحقیقاتی برون سازمانی نیز تحقیقات مقالات

محدودی در ارتباط با موضوع امنیت و فرهنگ صورت گرفته که هر یک ابعاد خاصی را به شرح زیر مورد بررسی قرار داده است.

-امیری، ابوالفضل (1390)، در مقاله جهانی شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی، در فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره 50، می‌نویسد: در صورت مواجهه صحیح با پدیده جهانی شدن و تأثیر و تعامل مثبت فرهنگ و هویت ملی بر این جریان و شناخت و برخورد علمی و آگاهانه با جلوه‌های آشکار آن و استفاده بهینه از فرصت‌های حاصل، فرآیند جهانی شدن می‌تواند عاملی برای توانمندی و برتری فرهنگ‌های ملی و محلی و امکانی برای توسعه و تعمیق فرهنگ و ارزش‌های دینی و انقلابی و احیای باورهای فرهنگی کشور باشد.

-مخبر دزفولی، محمدرضا و همکاران (1394)، در مقاله واکاوی تهدیدات فرهنگی ماهوارهای و تدوین راهبردهای مقابله در فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک شماره 64 می‌نویسد: جمهوری اسلامی ایران شکل جدیدی از حکومت را پیش‌روی جهانیان قرارداد. این نظام بر مدار دین و حول محور ولایت و امامت، با طرح مردم‌سالاری دینی، نظام‌های مبتنی بر دموکراسی غربی و در رأس آن آمریکا و راهبردهای جهانی به‌ویژه منطقه‌ای این ابرقدرت را به چالش کشید. پر واضح است که دو مکتب فکری با شاکله متفاوت در مقابل هم قرار دارند و هریک بر اساس ساختار روحی و فکری خود عمل می‌کند.

محمدی، محمود (1392)، در مقاله اسلام‌گرایی؛ گفتمان مقاومت، دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی، دوره 5، شماره 2 می‌نویسد: گفتمان اسلام‌گرایی نوعی مقاومت در برابر سلطه گفتمان مدرنیته غربی است که با صورت‌بندی جدیدی از اسلام، الگوی بدیلی را برای مدیریت جامعه پیشنهاد می‌دهد. وی با نقد نظریات نظریه‌پردازان غربی در مورد نفی نقش دین در مناسبات اجتماعی و ارائه ابزارهای علمی و عقلانی به جای آن اشاره می‌کند که این نظریات با چالش‌هایی مواجه شد و جنبش‌ها و گروه‌هایی در خود غرب به وجود آمدند که خواهان بازگشت دین به حوزه عمومی بودند. به‌ویژه ظهور اسلام سیاسی، این اصل و گزاره را دچار چالش نمود و اسلام‌گرایی گفتمانی است که تلاش می‌کند که اسلام را در مرکز نظام سیاسی - اجتماعی خود قرار دهد.

پوستینیچی، زهره (1391)، در مقاله انقلاب اسلامی ایران و برسازي هنجارسیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره شانزدهم؛ با اشاره به اینکه یکی از موضوعات اصلی اسلام سیاسی تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی، ساختار سیاسی و سیاست بین‌الملل است. می‌نویسد: انقلاب اسلامی ایران و فرآیند دفاع مقدس، جلوه‌هایی از مقاومت را در برابر سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار در رهیافت‌های سیاست بین‌الملل به وجود آوردند. مقاومت به‌عنوان هنجار و متغیر جدیدی از کنش در سیاست بین‌الملل ظهور کرد. این متغیر تحت تأثیر موضوعاتی از جمله هنجارهای مربوط به انقلاب اسلامی ایران بوده است.

جعفری، علی‌اکبر و قربی، سید محمد جواد (1392) در مقاله راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره 92 می‌نویسد: استکبار جهانی و جریان تاریخی امپریالیسم همواره مترصد برتری‌یابی نسبت به سایر کشورهای جهان بوده‌اند و به‌نوعی خود را داعیه‌دار جهان می‌دانند و از هر شیوه‌ای برای تسلط بر سایر کشورها بهره می‌گیرند و با پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات به‌سوی سلطه فرهنگی روی آورده‌اند. امام خمینی (ره) به‌عنوان پرچمدار مبارزه با استکبار و سلطه‌گران فرهنگی، ضمن روشن‌سازی ماهیت‌های فرهنگی سلطه‌گران برای ملت‌های اسلامی به روشن‌سازی راهبردهای سلطه‌گران می‌پردازد. میرقادری، سید فضل الله و کیانی، حسین (1391) در مقاله بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن، فصلنامه ادبیات دینی،

شماره اول می‌نویسد: مقاومت از اصول اولیه زندگی بشری است که انسان بدون بهره‌مندی از آن هرگز قادر به زندگی نخواهد بود. قرآن آن را واجب شرعی و ضرورت بشری می‌داند که فقدان آن، موجب فساد در زمین خواهد شد. از دیدگاه قرآن، مقاومت برای بقای هر پدیده، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ هدف اساسی مقاومت، ایجاد تعادل و توازن، در هر پدیده است.

فرزانه، علی (1394)، در مقاله سیاست مقاومتی در قرآن در روزنامه کیهان، شماره 21080، با اشاره به اینکه مقاومت و ایستادگی بدون قوام یافتن و ایستادن بر توانمندی‌های خودی امکان‌پذیر نیست و تکیه بر غیر نمی‌تواند مقاومت و ایستادگی را موجب شود، می‌نویسد: سیاست‌ها و برنامه‌های اسلامی بر آن است تا این مقاومت و ایستادگی درونی را ایجاد کند. پس عناصر مقاومت در اموری چون: 1- مقاصد و مطالب 2- مبانی و اصول 3- تحقق بخشی به مقتضیات 4- مانع‌زدایی 5- تحمل فشارها؛ 6- حفظ مواضع اصولی بدون عقب‌نشینی از آنها قابل شناسایی است.

ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (1390) در مقاله فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، با اشاره به مهم‌ترین عوامل شکل دهنده و تأثیرگذار بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شامل مواردی چون اسلام شیعی، عوامل اقتصادی، حافظه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، تجربه جنگ 8 ساله و درک واقعیات بین‌المللی می‌باشند و ضمن اینکه بدبینی به بیگانه، پایداری و مقاومت، بی‌اعتمادی راهبردی، ابهام راهبردی، عمل‌گرایی، خوداتکایی و بازدارندگی، مهم‌ترین محورها و شاخص‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران هستند، به ارزیابی و شناخت زمینه‌های ایجابی، سازنده و هم‌چنین، اصول و شاخص‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

زارع زاده، رسول (1392)، در مقاله تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم با طرح پرسش‌هایی مبنی بر مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت داخلی چیست؟ نظام‌های سیاسی برای تقویت ثبات سیاسی و کاهش تهدیدهای امنیت داخلی خود چه اقداماتی را باید انجام دهند؟ با پذیرش گفتمان ایجابی امنیت، امنیت داخلی را وضعیتی معرفی می‌کند که نظام سیاسی درصدد ایجاد اطمینان خاطر و حداکثر رضایتمندی بین شهروندان خویش است؛ با این تفسیر، مفهوم مشروعیت سیاسی کلیدواژه‌ای اساسی در تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی است و نویسنده این مقاله ضمن بیان جایگاه و نقش آن در امنیت داخلی، با تشریح ابعاد این مفهوم در سطح تحلیل کلان، سایر مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی (کارآمدی و پاسخگویی)، را در تقویت مشروعیت سیاسی تبیین می‌کند.

آشنا، حسام‌الدین (1388) در مقاله امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره پنجم با اشاره به اینکه امنیت به‌عنوان ابزاری برای حفظ، تداوم و ارتقا حیات برای بشر قابل درک است، با اشاره به نظر ماندل مبنی بر اینکه امنیت کامل و حقیقی قابل حصول نیست، با طرح این نظر که تکیه بر نظریات غرب‌محور در فهم و تدبیر امنیت راهگشا نیست، چرا که به‌نظر نمی‌رسد امنیت در سطح ملی امری جهان‌شمول باشد؛ از همین‌رو فقدان نظریه بومی امنیت را باید تهدیدی امنیتی به‌شمار آورد.

### مبانی نظری

در واقع واژه امنیت ملی و به‌تبع آن امنیت داخلی که یکی از زیر شاخه‌های امنیت ملی است، مفهومی است که بعد از جنگ جهانی دوم جعل و درباره آن نظریه‌پردازی شده است تا راه‌ها و شیوه‌های تحصیل امنیت در چارچوب دولت - ملت برای انسان‌ها به ارمغان آورده شود.



## مکتب رئالیسم (واقع‌گرایی)

این مکتب معتقد است که کشورها در پی کسب حداکثر قدرت در مقایسه با سایر کشورها هستند، حفظ احتیاط را به‌عنوان یک اصل دائمی و فقدان اعتماد به اصول اخلاقی جهان‌شمول، حقایق همیشگی را اصل حاکم بر جهان می‌دانند. اخلاق به‌معنای عام آن‌را از حوزه سیاست جدا می‌دانند و معتقد به خدمت گرفتن اخلاق توسط قدرت هستند. اینان معتقدند که تنها قدرت است که می‌تواند تامین‌کننده امنیت باشد. این دیدگاه به دیدگاه سنتی امنیت معروف است و امروزه کارایی خود را تا حد زیادی از دست داده است. اما تاکید بر قدرت نظامی در این دیدگاه کماکان اهمیت دارد (باصری، 1387: 29-68).

## امنیت از دیدگاه مکتب لیبرالیسم

برخلاف رویکرد رئالیستی، امنیت و نظم در دیدگاه لیبرالی از توازن قوا حاصل نمی‌شود، بلکه حاصل تعامل‌هایی است که میان لایه‌های مختلف حاکمیتی، سازش میان قوانین، هنجارهای مشترک، رژیم‌های بین‌المللی و مقررات نهادی وجود دارد (ابراهیمی و همکاران، 1393: 1-28).

## مکتب کپنهاگ

کپنهاگ، مکتبی است در راستای توجه وسیع به موضوع امنیت با اندیشمندانی هم‌چون مک سوئینی، اولی ویور و باری بوزان، که در این میان بوزان با کتاب معروف خود یعنی «مردم، دولت‌ها و هراس» از سایرین شناخته شده‌تر می‌باشد (ابراهیمی، 1386: 440). متفکران این دیدگاه، با تمایز میان امنیت حکومت و امنیت ملی، معتقدند در حوزه مطالعات امنیت ملی، آن مسائل امنیت داخلی مطرح می‌شوند که در ارتباط با تهدیدهای بیرونی و خارجی باشند (زارع زاده، 1392: 13).

## مکتب جهان سوم و امنیت داخلی

برخلاف مکتب کپنهاگ که نگاه حداقلی به امنیت داخلی دارد، مکتب امنیتی جهان سوم، نگاه حداکثری به امنیت داخلی و مسائل آن دارد. این دیدگاه که در واکنش به نظریه‌های امنیتی در مغرب زمین به‌ویژه رویکرد رئالیسم و عدم قابلیت تعمیم آنها به مسائل امنیتی کشورهای جهان سوم شکل گرفته، معتقد است که مفهوم امنیت در جهان سوم با توجه به ویژگی‌های خاص آن با مفهوم امنیت در جهان غرب تا حدودی متفاوت است. در جهان غرب، امنیت بیشتر در بعد خارجی یعنی در مقابله با تهدیدهای ناشی از محیط بیرونی و بازیگران خارجی تعریف می‌شود؛ در حالی که امنیت در جهان سوم عمدتاً داخلی است و حتی بعد خارجی آن نیز متأثر از موضوعات امنیتی داخلی است (عبدالله خانی، 1383: 171).

## مکتب سازه‌انگاری و امنیت داخلی

اگرچه مکتب سازه‌انگاری رهیافتی است که در عرصه روابط بین‌الملل و مسائل امنیتی آن مطرح شده، اما به‌نوعی قائل به تعامل میان حوزه‌های امنیت داخلی و امنیت خارجی است. رویکرد سازه‌انگاران نشان می‌دهد که در عرصه روابط بین‌الملل، هنجارها به‌عنوان انتظارات جمعی اقدام به تعیین اعتبار و به‌رسمیت شناختن هویت بازیگران می‌کنند و بدین ترتیب آنها را به‌وجود می‌آورند. از نظر آنها انتظارات بین‌المللی بر منافع، سیاست‌های داخلی و هویت بازیگران تأثیر بسیاری دارد، اما انتخاب‌های بازیگران ملی نیز روی ساختارهای بین‌المللی تأثیرگذار است. در نتیجه تلاش برای پل زدن بین نظام‌های داخلی و بین‌المللی یکی از رویکردهای عمده سازه‌انگاران است و این مسئله باعث شده است که آنان امنیت داخلی و خارجی را مرتبط با یکدیگر بدانند (عبدالله خانی، 1383: 186).

## تحلیل یافته‌ها

## نظریه امنیت داخلی جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران بدون شک از جمله پدیده‌های مهم و سرنوشت‌ساز قرن بیستم به حساب می‌آید، پدیده‌ای که توجه محققان، اندیشه‌گران، سیاست‌گذاران و شمار زیادی را در داخل و خارج به خود معطوف داشته است. پیروزی انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی را باید ثمره مجاهدت و شهادت مردمی خداآگاه دانست که تحت رهبری امام خمینی (ره) برای رفع ظلم و تغییر سرنوشت خود بپا خاستند. حکومت اسلامی گوهر گران‌بهایی بود که از پس آن شهادت‌ها و رشادت‌ها به ملت ایران عطا شد و از این‌رو بحث از چگونگی پاسداشت آن و تأمین امنیت جامعه اسلامی از همان روز نخست دغدغه جان مردم و مسئولان گشت. بنا به اهمیت و حساسیت مقوله امنیت ملی سایر سیاست‌های نظام تازه تأسیس به‌گونه‌ای طراحی شد تا در نهایت به دفع عوامل امنیت‌زدا و انسجام هر چه بیشتر جامعه و حکومت اسلامی منجر شود. نتیجه آن شد که برخلاف گمان ناصواب معاندان که عمر جمهوری اسلامی را به‌خاطر وجود گرایش‌های فکری متفاوت و نبود تجربه حکومتی مؤثر انقلابیون، کوتاه می‌دیدند، نظام اسلامی توانست حضور فعال سیاسی را در نهایت ایمنی و سلامت بیازماید. پرسش از چیستی و چگونگی تأمین امنیت در درون جامعه اسلامی و اینکه چگونه در یک فضای دموکراتیک و رقابت سیاسی آزاد در جمهوری اسلامی ایران، امنیت داخلی استقرار داشته باشد مهم هستند (افتخاری، 1378: 52-19).

با مطالعه اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بر اساس آن‌چه در آثار مکتوب و نیز بیانات و رهنمودهای ایشان به مناسبت‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته در این زمینه می‌توان مولفه‌های امنیت داخلی از دیدگاه ایشان به اختصار به شرح ذیل بیان نمود:

الف) مولفه‌های امنیت داخلی از دیدگاه امام خمینی (ره):

1- حفظ نظام؛ 2- قانون‌گرایی؛ 3- توجه به بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت؛ 4- تأکید بر هویت و ارزش‌های اسلامی؛ 5- صیانت از اسلامیت و جمهوریت نظام؛ 7- محدود نبودن امنیت به داخل مرزهای جغرافیایی؛ 9- استقلال سیاسی و عدم وابستگی؛

ب) مولفه‌های امنیت داخلی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

1- مقوله امنیت به‌عنوان حق درجه اول مردم؛ 2- امنیت داخلی با توجه به جایگاه جغرافیایی استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به بیرون از مرزها وصل می‌شود؛ 3- تأمین امنیت وظیفه حاکمیت است؛ 4- محوریت مردم در ایجاد امنیت؛ 5- نقش مهم نیروهای مسلح در تأمین امنیت داخلی؛ 6- جهانی‌سازی به دنبال هرج‌ومرج و ناامنی است؛ 7- اهمیت امنیت را باید در عکس‌العمل دشمنان نسبت به آن ارزیابی کرد؛ 8- ایمان به خدا امنیت به‌همراه دارد.

## گفتمان مقاومت

گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی و همین‌طور شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات سیاسی-اجتماعی‌اند. از نظر فوکو گفتمان‌ها هم‌چون اعمالی هستند که به‌طور نظام‌مند موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها سازنده موضوعات‌اند و در فرآیند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند (عضدانلو، 1375: 48). گفتمان‌ها، روش‌های صحبت کردن، فکر کردن و یا باز نمودن موضوع و یا مبحثی خاص هستند. آنها دانش معناداری را درباره آن موضوع پدید می‌آورند. این دانش بر کردارهای اجتماعی اثر می‌گذارد، از این‌رو پیامدها و عواقب واقعی دارند. گفتمان‌ها را نمی‌توان به منافع طبقاتی تقلیل داد ولی همیشه در نسبت با قدرت عمل می‌کنند. آنها بخشی از شیوه اعمال قدرت و مبارزه بر سر قدرت هستند (هال، 1386: 62-61). اشکال مختلف گفتمان همیشه به‌عنوان ابزارهایی موثر، نه فقط برای

حفظ وضع موجود جوامع، بلکه برای ساخت، شکستن ساخت، حتی بازسازی جوامع به کار گرفته شده است (دهقانی، 1394: 5).

گفتمان مقاومت همواره در مقابل ظلم وجود داشته است، میشل فوکو معتقد است در مقابل هر زور و ظلم، مقاومتی تولید می‌شود و مقاومت را معلول ظلم و تضییع حقوق انسان‌ها می‌داند. البته به تناسب شرایط زمان مقاومت با فراز و فرود مواجه بوده، گاهی تقیه نموده، گاهی به صورت پنهان وارد عمل شده و گاهی نیز از قدرتهای خارجی برای حمایت از خود استفاده کرده و گاهی نیز به قیام و انقلاب مردمی تبدیل شده است. همه ادیان آسمانی انسان‌ها را به مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و سرکشی فرا می‌خوانند. قوانین اساسی از قرون وسطی به بعد خواهان رسمیت یافتن حق ملت‌ها در مبارزه و مقاومت در مقابل ظلم شده‌اند. اعلامیه ویلسون در زمینه اصول حقوق ملل، از جمله حق هر ملت برای تعیین سرنوشت خود است. معاهدات دو کنفرانس لاهه در سال‌های 1899 و 1907 از مهم‌ترین اقدامات جهانی است که مشروعیت مقاومت ملی میهنی بر ضد تجاوز و اشغالگری بیگانه را به رسمیت شناخت. بیانیه بین‌المللی تعریف تجاوز مصوب سال 1974 در ماده هفتم تصریح می‌کند: «هر چیزی که باعث مخدوش شدن حق مقاومت ملت‌های تحت استعمار یا ملت‌های تحت حاکمیت رژیم‌های نژادپرست یا محکوم به هرگونه سلطه خارجی شود از تعریف تجاوز خارج است. این گونه ملت‌ها حق دارند با بهره‌گیری از هر وسیله ممکن، از جمله با توسل به اسلحه به مقاومت و مباره با اشغالگران و حکومت‌های نژادپرست یا سلطه‌جوی بیگانه برخیزند». انقلاب فرانسه در قرن 18 برای نخستین بار به موضوع حق تعیین سرنوشت اشاره کرد. مجمع ملی فرانسه در 1972/3/19 با صدور اعلامیه‌ای حمایت خود را از همه ملت‌های خواهان آزادی و پشتیبانی خود را از شهروندانی که در راه مبارزه برای آزادی آسیب ببینند، اعلام کرد. انقلاب فرانسه به آرا و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه جمعی از فیلسوفان عصر رنسانس اروپایی، مانند ژان ژاک روسو، جان لاک، مونتسکیو و دیگران متکی بود. در پایان جنگ جهانی اول ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا پس از صدور اعلامیه جهانی ویلسون که حق تعیین سرنوشت را تثبیت کرد، در یک سخنرانی در کنگره چهارده اصل را اعلام کرد که یکی از آنها اصل حق تعیین سرنوشت بود (کمیته علمی مجمع جهانی صلح اسلامی، 1390: 251-264). مقاومت از دیدگاه قرآن، کوششی برای بازگرداندن چیزی به حالت طبیعی خود است، به دیگر سخن، هرگاه دو طرف وجود داشته و یک طرف، در تلاش تسلط بر دیگری باشد، در این حالت، مقاومت پدیده‌ای است که تعادل و توازن را که اساس زندگی بشر است، برقرار نماید. قرآن دو رکن اساسی را برای مقاومت بر می‌شمارد (میر قادری؛ کیانی، 1392: 73):

1- ایمان راسخ و عمیق: هر کس به چیزی ایمان ژرف و بی‌شائبه داشته باشد، بدون تردید در راه آن جان فشانی می‌کند و از همه چیز خود برای رسیدن به آن می‌گذرد. بر این اساس مقاومت، زمانی پدید می‌آید که ایمان و عقیده در دل‌ها محکم و استوار گردد. به همین خاطر پیامبر اکرم در مکه معانی ایمانی را در دل مسلمانان ریشه‌دار گرداند و چون آنان به ایمانی عمیق رسیدند، توانستند رعب و وحشت را در دل دشمنان بیافکنند و تمام سختی‌ها را تحمل کنند، نمونه کامل این مقاومت را می‌توان در شعب ابوطالب یافت، آن‌جا که یاران پیامبر با تحمل دشواری‌ها توانستند در برابر مشکلات و مصایب آن دوران مقاومت نمایند و سرانجام به پیروزی دست یابند (سوره بقره، آیه 128، سوره انفال، آیه 72، سوره توبه، آیه 20).

2- استفاده از تمام توان مادی: اگر انسان به یقین برسد ولی اسباب و وسایل لازم برای مقاومت را مهیا نسازد، کامیاب نمی‌گردد، پس انسان می‌بایست تمام توانایی‌های بشری خود را به کار گیرد تا به واسطه آنها بتواند در این مسیر پیروز شود. خداوند متعال هرگاه از ابزار مقاومت سخن می‌گوید واژه نفس می‌داند و این خود دلیل بر آن است که هنگام مقاومت باید

از مال خود گذشت و از آن در راستای جهاد در راه خدا استفاده کرد (سوره حدید، آیه 25، سوره آل عمران آیه 14، سوره انفال، آیه 60، سوره نحل، آیه 8، سوره اسراء، آیه 64، سوره حشر، آیه 6).

شکل‌گیری هویت مقاومت در مقابل گفتمان شرق‌شناسی را می‌توان براساس روایت جدیدی دانست که ناشی از بازنمایی اسلام است از طریق تأکید بر ارزش‌های مرکزی اسلام سعی دارد تا مطلوبیت‌های جهان غرب را براساس قالب‌های گفتمانی کاملاً متفاوتی بازنمایی کند و تغییر اجتماعی در سطوح مختلف ایجاد کند (مختاری؛ دهقانی، 1394: 109-101). در این میان انقلاب اسلامی در مقام مهم‌ترین سازه شناختی - اخلاقی پارادایم مقاومت، از شاخص‌های ضد نظام محسوب می‌شود که فرماسیون نظام جهانی مسلط را به‌چالش کشاند، بنابراین تحولات ژئوکالچر نمادی از سیاست فرهنگی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که چرخه‌های نظام جهانی را دچار اختلال می‌سازد. اهمیت بحث درباره انقلاب اسلامی در تحولات ژئوکالچریک جهان اسلام در این است که انقلاب اسلامی، به‌عنوان «نخستین قیام بزرگ علیه نظام‌های زمینی» فراگیرترین و مدرن‌ترین قیام با بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشگی بدیع توانست با وصل کردن خود به ریشه‌های دینی، به‌صورت یک بدیل زنده سیاسی جلوه‌کند. در کانون گفتمان انقلابی، اسلام به‌مثابه یک دال متعالی نشسته بود، غنای مفهومی و محتوایی این دال استعلایی، تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی آدمی را در بر گرفته، سیاست را هم‌مشین دیانت کرده، هر دو را ریسمانی عرفانی بخشیده و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت تئوری راهنمای عمل نشانده بود (تاجیک، 1379: 179).



(منبع: جمشیدی‌ها؛ عرفان منش، 1393: 15)

امام خمینی (ره) تلاش داشتند تا با غالب کردن گفتمان انقلاب اسلامی در سراسر جهان اسلامی از طریق بسیج توده‌های مردم و گروه‌های اسلام‌گرا، اندیشه اسلامی هویت مدار را حاکم نماید (اطهری؛ عباسی شاهکوه، 1393). هنگامی که حضرت امام خمینی جمعه‌ی پایانی ماه مبارک رمضان را روز قدس اعلام کردند، شاید کمتر کارشناس و صاحب‌نظر سیاسی و بین‌المللی گمان می‌کرد که گفتمان مقاومت در آغاز دهه‌ی دوم قرن بیست‌ویکم میلادی به گفتمان غالب منطقه تبدیل شود و آثار استراتژیک و ژئواستراتژیک آن معادلات جهانی و نظام سلطه را تحت تأثیر قرار دهد. اگر بخواهیم بر اساس بحث‌های گفتمانی طرح موضوع کنیم، عناصر و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ یک بخش نفی یا سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه‌ستیزی قرار دارد. یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است. انقلاب اسلامی یک بعد مهمش نفی استبداد بود. ما می‌گوییم انقلاب برای مستضعفین است؛ ولی خوب می‌دانید بر اساس آموزه‌های اسلام باید با استضعاف هم مبارزه کنیم و آن را از بین ببریم. نه اینکه با مستضعفین ستیزه کنیم. برای اینکه اگر آن وضعیت استضعاف به‌نوعی از بین برود، نفی تبعیض و خشونت ساختاری در نظام

بین‌الملل، نفی توسعه‌طلبی و زیاده‌خواهی و تجاوزطلبی در روابط بین‌الملل نیز باز به بعد سلبی گفتمان مقاومت بر می‌گردد. اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی. به‌هر جهت، مؤلفه‌های مذکور گفتمان مقاومت را به‌عنوان یک نوع گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌بینانه مطرح می‌کند، زیرا آرمان‌هایی در این گفتمان هست و هم‌زمان به یک واقعیت‌هایی هم توجه می‌شود:



(منبع: دهقانی فیروزآبادی؛ صادق‌الحسینی، 1391)

فرهنگ مقاومت زیر مجموعه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که پراختن به همه آنها، با توجه به محدودیت‌هایی که با آن مواجه بوده‌ایم، ممکن نبوده است. لذا به سه مؤلفه مهم تاثیرگذار فرهنگ مقاومت بر امنیت داخلی: فرهنگ استکبارستیزی، فرهنگ و روحیه جهادی، هویت دینی، به اختصار به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### نقش فرهنگ استکبارستیزی در تامین امنیت داخلی

در تعریف لغوی، استکبار به‌معنای بزرگ دیدن کسی یا چیزی، بزرگی نمودن، از خود بزرگ منشی کردن و تکبر ورزیدن است. این واژه از ریشه کبر و از باب نفع است که در زبان عربی به کسی یا چیزی اطلاق می‌گردد که فاقد صفتی است؛ ولی خود را به آن متصف می‌کند. لذا تکبر را خود بزرگ‌بینی و غرور معنی می‌کنند. از این‌رو استکبار برای مبالغه در تکبر و خود بزرگ‌بینی به‌کار می‌رود (منصوری، 1387: 17). از مشخصه‌های بارز اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) تلاش برای وارد کردن واژه‌ها و مفاهیم قرآنی و اسلامی در ادبیات سیاسی مسئولان و دولتمردان نظام اسلامی بود. واژه استکبار، از جمله واژه‌هایی است که به‌طور عملی در این راستا وارد ادبیات انقلاب اسلامی شد. گفتمان استکبارستیزی امام خاستگاهی فطری - انسانی و معنایی قرآنی دارد و در عین حال کارکردی مبارزاتی و انقلابی. اساساً مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی حضرت امام بوده و همواره مورد تاکید قرار گرفته است. ظلم‌زدایی و مبارزه با استکبار به‌عنوان یک مسئولیت دینی - سیاسی، جدی‌ترین آثار را در قیام ملل مستضعف علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خود به‌جای گذاشته است. امام سلامت و صلح جهان را بسته به انقراض مستکبرین می‌دانند و می‌فرمایند: تا این

سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند. واژه «استکبار» که در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی به‌طور مکرر به بهره‌برداری می‌رسد از تعالیم قرآن کریم مایه می‌گیرد. این ادبیات در کلام و بیان آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) هم به‌عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ادامه یافته است (شاخصه‌های دکترین «استکبارستیزی» در اندیشه حضرت امام (ره)، 92/8/9).

### نقش فرهنگ و روحیه جهادی در تامین امنیت داخلی

جهاد یعنی تلاش و کوشش در راه ارزش‌های والا، پس جهاد، فقط جنگ نیست، جهاد به‌معنی کوشش و سعی است که قدمتی به اندازه قدمت بشریت دارد. جهاد تلاش اعتقادی، خودآگاهانه، همه‌جانبه، همگانی و همیشگی است. جهاد چه در سطح خرد (مبارزه با نفس) و چه در در سطح کلان (پیگیری اجتماعی برای محو ظلم و بی‌عدالتی) از انگیزه‌های درونی افراد سرچشمه می‌گیرد. جهاد حاوی دو مفهوم، سلبی و ایجابی است؛ وجه سلبی آن از بین بردن ظلم و ستم چه بر نفس و چه بر جامعه و وجه ایجابی آن سازندگی نفس و یا سازندگی جامعه است (واشقانی، 1390: 2). در تعبیری که مقام معظم رهبری و تقسیم‌بندی که دارند می‌فرمایند: «جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، 95/3/3)؛ «فرهنگ مقاومت پیوند همه‌جانبه‌ای با هنجارهای رفتاری مردم ایران دارد. فرهنگ مقاومت یکی از موضوعات بنیادین ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود. درک فرهنگ مقاومت، نیازمند مفهوم‌سازی، شاخص‌سازی و تبیین گویه‌های مربوط است. بنابراین یکی از شاخص‌های مفهومی فرهنگ مقاومت را باید در ارتباط با استعاره‌های اجتماعی تبیین نمود. مفاهیمی همانند شهادت، جبهه‌ها، کربلا، مقاومت و پیروزی را باید در زمره چنین استعاره‌هایی دانست» (مصلی‌نژاد، 1393: 6-8). فرهنگ جهادی یک مفهوم کلی است که از جمله مصادیق آن دین‌محوری ولایت‌مداری، ایثار و خود گذشتگی، مردم‌گرایی، ارزش‌مداری، انعطاف‌پذیری، خودباوری، پویایی، مأموریت‌پذیری می‌باشد و فرهنگ جهادی پدیده‌ای اسلامی است که با وقوع انقلاب عظیم اسلامی به‌رهبری حضرت امام خمینی (ره) تجلی پیدا کرده است (محمودزاده و همکاران، 1388: 26-28). شهید مطهری نیز در تبیین ایمان دینی در جهت‌دهی گرایش‌های انسان در روحیه جهاد و فداکاری می‌نویسد: «گرایش‌های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاش‌هایی به‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احیانا هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد؛ این در صورتی است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیاید. تنها نیروی مذهبی قادر است که به ایده‌ها تقدس ببخشد و حکم آنها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد. گاهی افراد نه از راه ایده و عقیده مذهبی، بلکه تحت تاثیر فشار عقده‌ها، کینه‌توزی، انتقام‌گیری‌ها و بالاخره به‌صورت عکس‌العمل شدید در برابر احساس فشارها و ستم‌ها دست به فداکاری می‌زنند و از جان و مال و همه حیثیات خود می‌گذرند. ولی تفاوت یک ایده مذهبی و غیر مذهبی این است که آن‌جا که پای عقیده مذهبی به‌میان آید و به ایده قداست ببخشد، فداکاری از روی کمال رضایت و به‌طور طبیعی صورت می‌گیرد» (مطهری، 1385: 34).

## نقش فرهنگ و هویت دینی در تامین امنیت داخلی

سه وجه مهم هویت فرهنگی یا هویت جمعی در ایران شامل هویت ایرانی، هویت قومی و هویت دینی است.

1. هویت ملی را باید نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست که نمادها، سنتها، مکانهای مقدس، آداب و رسوم، تاریخ، قهرمانان تاریخی و فرهنگی، نظام سیاسی و سرزمین معین دارد.

2- هویت اسلامی در جامعه ایرانی به معنای تعلق و تعهد فرد ایرانی به باورها و ارزشهای دینی، انجام رفتارها و مناسک فردی و جمعی دیندارانه، داشتن تجربه و حس دینی و برخورداری از هویت دینی است (حاجیان، 1388: 368-360).

3. هویت قومی به عنوان یکی از سطوح، جامعه‌پذیری، تعریف می‌شود که فرد خود را با یک گروه بزرگ قومی متصل و مربوط می‌کند و به صورت نمادین یا واقعی خود را عضو آن گروه بزرگ قومی می‌پندارد (حاجیان، 1391: 142).

هویت دینی در ایران آینده نیز هم‌چنان منسجم و قوی خواهد بود و با وجود بروز برخی روندهای سکولاریستی، بنا به ماهیت خاص و تجربه جامعه ایرانی، گرایش‌های دینی از قوت نسبی برخوردار خواهند بود. به عبارتی، با وجود شدت گرفتن دین‌گرایی شخصی (شخصی و فردی شدن دین)، رشد انواع معنویت‌گرایی و فرقه‌گرایی، هویت دینی هم‌چنان قوی و جدی خواهد بود (حاجیان، 1391: 142). بررسی و مطالعات در متون اسلامی مانند قرآن مجید و احادیث وارد شده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) حاکی از یک رویکرد انسانی، الهی، معنوی و اخلاقی به انسان و به تبع آن قومیت و تنوعات اجتماعی و فرهنگی و نژادی است. ویژگی‌ها و خصوصیات مهم قومی در قرآن و سیره معصومین (ع) بدین شرح است. الف) تنوعات و تفاوت‌های قومی، زبانی و نژادی از نشانه‌ها و حکمت‌های خداوند و موجب شناسایی متقابل است. ب) در اساس و پایه مردم از یک گروه و امت واحد و یکپارچه‌ای بودند و سپس اختلاف پیدا کردند و به دلیل سرکشی و لجبابت از هم جدا شدند. ج) تفاوت‌ها و تنوعات قومی و نژادی امتیاز و مایه برتری نیست و شاخص برتری تقوا و پارسایی است.

بنابراین عزتمندی و تکیه بر توانایی‌های الهی که در وجود انسان نهاده شده و تکیه بر تعالیم مترقی اسلام نوید بخش زندگی با عزت و با افتخار و خارج از قید و بند و اسارت باشد.

### نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی دین‌محور و متکی به مردم مسلمان، با اتکا به معارف فقهی و تجربی تاریخ اسلام، با الهام از قرآن همواره معتقد به وجود رهبر دینی در جامعه به عنوان نایب امام زمان (عج) بوده است و بر پایه همین اعتقاد انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و نظریه کلان حاکمیتی ولایت فقیه برگرفته از اسلام ناب محمدی (ص) توسط امام خمینی (ره) به عنوان گره‌گشای مسائل معرفی و هم اکنون نیز توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی بسط و توسعه یافته است. بنابراین اگر فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه از آبخشور حقیقی آن، که همان اسلام ناب محمدی (ص) است، در همه زیرساخت‌های حاکمیتی جاری شود و نیز مردم با اعتماد به اینکه فرهنگ سیاسی حاکم بر پایه همان آبخشور در جریان است، به درستی می‌تواند به نیازهای امنیتی نیز پاسخ داده و امنیت را در جای‌جای جامعه استقرار و استحکام بخشد. ما برای پیروزی در انقلاب فرهنگ مقاومت و مبارزه را تجربه کردیم و در طول تاریخ انقلاب اسلامی همین فرهنگ را با مشارکت مردم در همه صحنه‌ها به منصف ظهور رساندیم و تجربه تاریخی استقرار نظام اسلامی نشان می‌دهد که هویت ملی و ایرانی و اسلامی بر سایر هویت‌های اقوام ملی ما غلبه داشته و این غلبه نه اینکه ناشی از انشا حکومت و هیات حاکمه بلکه ناشی از باور و اعتقاد قلبی مردم بوده و این نوید یک امنیت پایدار در حرکت به سوی تمدن بزرگ اسلامی را می‌دهد.

## منابع

## الف) منابع فارسی

1. ابراهیمی، نبی‌الله (1386)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ویکم، شماره 82.
2. ابراهیمی، شهروز؛ ستوده؛ علی اصغر؛ احسان، شیخون (1393)، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره دو، شماره چهارم.
3. افتخاری، اصغر (1380)، «مبانی فرهنگی مدیریت استراتژیک و امنیت داخلی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم.
4. افتخاری، اصغر؛ باباخانی، مجتبی (1394)، «معناشناسی استکبار در قرآن کریم»، دو فصلنامه آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم رضوی، شماره 21، بهار و تابستان.
5. افتخاری، اصغر (1378)، «چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم.
6. امیری، ابوالفضل (1390)، «جهانی شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره پنجاه، بهار.
7. باصری، احمد (1387)، «امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت، شماره 1، دوره اول تابستان.
8. بهشتی‌نژاد، مهدی (1393)، «تأثیر فرهنگ بر امنیت ملی با تأکید بر نظام ج.ا. ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره 22.
9. پوستچینی، زهره (1391)، «انقلاب اسلامی ایران و برسازي هنجار سياسي مقاومت در روابط بين‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره شانزدهم.
10. تاجیک، محمدرضا (1381)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
11. حاجیانی، ابراهیم (1379)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال 2، شماره 5.
12. حاجیانی، ابراهیم (1391)، «هویت ایرانی اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره چهاردهم.
13. حاضری، محمدرضا؛ گراوند، مرضیه (1394)، «نقش دین در انقلاب ایران و فرانسه»، فصلنامه ژرفا پژوه، شماره 4 و 5، تابستان و پاییز.
14. خسروی، علیرضا (1390)، «امام خمینی (ره) و بازسازی هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره 2.



15. دهقانی، روح الله (1394)، «اندیشه فرهنگی استوارت هال»، **مجله خبری انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره 27.
16. روزنامه کیهان (95/3/23)، شماره 21365.
17. زارعزاده، رسول (1392)، «الگوی تحلیل امنیت داخلی: تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال پنجم، شماره نوزدهم، تابستان.
18. سعیدیان، فهیمه (بی‌تا)، «جوانان، تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، **فصلنامه راه تربیت**.
19. مطهری، مرتضی (1358)، **جهان بینی توحیدی**، تهران: انتشارات صدرا.
20. صدر، سید موسی (1390) ویژگی‌های فرهنگ، قابل دسترسی در: <http://elhamvaali.blogfa.com/post/22>
21. عبدالله‌خانی، علی (1383)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم، جلد 1.
22. عضدالملو، حمید (1375)، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره 103 و 104.
23. فرهنگ، احمد (1391)، **فرهنگ مقاومت و مقاومت فرهنگی**، قابل دسترسی در: <http://farhangoffice.parsiblog.com>
24. قاسمی، فرهاد (1386)، «بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین‌الملل»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره 245 و 246.
25. قرشی، سید علی اکبر (1371)، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
26. محمودزاده، علی و همکاران (1388)، **واکاوی و بازشناسی فرهنگ و مدیریت جهادی**، حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی.
27. مخبر دزفولی، محمدرضا؛ محمد، اسحاقی؛ عظیمی‌طرقدری، محمد (1394)، «واکاوی تهدیدات فرهنگی ماهواره‌ای و تدوین راهبردهای مقابله»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، شماره 64 پاییز.
28. مختاری، مریم؛ دهقانی، عبدالرحیم (1394)، «تحلیل جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه با تأکید بر مؤلفه‌های شرق‌شناسی ادوارد سعید»، **دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره 3، شماره 2، پاییز و زمستان.
29. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله (1378)، **نفوذ و استحاله**، تهران.
30. میرقادری، کیانی (1391)، «مقاله بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، دوره 01، شماره 1، تابستان.
31. میرمعینی، عفت السادات (1395/8/8)، **ضرورت بازخوانی مفهوم امنیت**، روزنامه جهان اقتصاد.
32. ناظمی اردکانی، کاظم (1388)، «مبانی مهندسی و مدیریت فرهنگی سازمان‌ها»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره 20، زمستان.
33. نگارش، حمید (1380)، **هویت دینی و انقطاع فرهنگی**، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
34. نگاهیان، ابراهیم (1393)، **مفهوم امنیت، پایان‌نامه** کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

35. والی‌زاده، اسماعیل (1388)، «تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، **ماهنامه معارف**، شماره 69، پاییز.
36. وسیعی، جمال (1357)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
37. هال، استوارت (1386)، **غرب و بقیه: گفتمان و قدرت**، ترجمه محمود متحد، تهران: موسسه انتشارات آگه.

